

## تیم ملی جوان مرگ!

برداشت بدون کاشت و داشت

هر کجای فوتبال ملی باشگاهی دنیا را که گزینیم و دلیل ظفر هر تیم موفقی را که پرس وجو کردیم، بیش از بازیهای ثابت و بول به نامی بر خورديم که شاید در فوتبال ما نشود پرايش معناي خاصی متصور شد. فوتبال پایه، بيوده نمی گويند. دليل استحکام تک آسمان خراش باید فونداسيون و پي ريزی آن سازه را بررسی کرد و برای سر در آوردن از علت نتیجه گیری مستمر یک تیم و یک باشگاه، چاره تنها واکاوی عملکرد مدیران و مربیان در تیم های پایه و آکادمی است. یک درخت تنومند را که شاید هر روز در مسیر پارک محل عورتان و یا کنار ایستگاه اتوبوس سر خیابان نان مشاهده می کنید، از روز اول به همین قطر و تناوری بوده و حتما چندین سال پیش نهال بسیار ضعیفی را با مراقبت کاشته اند تا همراهش امروزه به درختی قطور تبدیل شود. از لزوم توجه به فوتبال پایه و تدوین برنامه ریزی مدرن و پیر پایه فوتبال اروپا در ایران هر چه گفته ایم، زبان مان م در آورد و کسی پیدا شد تا صدای مان را بشنود. دنیای فوتبال برای مسئولین فدراسيون، سازمان ليک و هر نهاد متاثر و تاثیر گذار بر فوتبال باشگاهی وليک برتر، خلاصه می شود در بول و مدیریت یکساله. انگار آقایان نمی خواهند بفهمند که برای بهره وری از حداکثر استفاده در بالاترین سطح فوتبال ملی و باشگاهی، نیاز به «کاشت» و «داشت» است تا نوبت به «برداشت» برسد. مدیریت منابع مالی و انسانی در فوتبال ملی و باشگاهی ایران بی شباهت به ساختار درمادزی دولتمردان در ابعاد کلان نیست. آنها هم راه های درآمدزایی از طریق گردشگری، کشاورزی و امثالهم را فراموش کرده اند و چسبیده اند به نفتی که دیگر حتی نمی توانیم یک قطره از آن را بفروشیم. فوتبال مصرف گرا و بریز و پاشش فعلی ایران تابعی از همین تفکر «اقتصاد نفتی» است. یک بچه تنق و نقو خورجی که بدون توجه به بازیهای منیع، فقط می خورد می شکند و تا بود می کند. برای اثبات ادعای فوق بسیار راحت است که از فوتبال اسپانیا، آلمان و یا انگلستان مثال بیاوریم اما چرا در یورو برویم وقتی همین قطر بیخ خوش خود مان موفقی می شود؟ اسپانیایی ها که مکتب بازیکن پروری را خوب بلدند و زمین ها هم که فوتبال ماشینی را از ابتدای کودکی در ذهن بازیکنان خردسال خود نهادینه می کنند. اما قطر چگونه توانست بریلندای قهرمانی آسیا بیایند و طعنه های شان را با آرزوی موفق تر و با افزون به ساختمان خیابان شبیه بخیه ای ارسال کند؟

اگر قرار به واکاوی مسائل از سمت مسئولان فدراسيون فوتبال باشد، حتما خواهيم شنيد: «دلاراه نفتی خود را خرج کرده اند و بازیکن دولتی یعنی گرفته اند» و یا «بول بی حساب را به حساب داورها و AFC برخته اند»، اما از این رفتارهای پروپاگاندا و عوام فریبانه چه سود؟ مدیران فدراسيون فوتبال که روزانه ۱۰ کمیته را کلید می زنند، اصلا می دانند ۱۰ سال پاک تیم ثابت تمرین کردن یعنی چه؟ فدراسيونی ها درکی از مفهوم امنیت شغلی برای سرمربی و ثبات در ساختار اجرایی و فنی دارند؟ آقایانی که نام بر طرمطراق «کمیته فنی و توسعه» را برای انتخاب گزینه های سوخته های مانند حمید درخشان و پرویز مظلومی برگزیده اند، می دانند فلینکس سناجر از کجا به قطر رفت و چگونه عتایی های صحرا را به قهرمانی در جام ملت های آسیا رساند؟ خودمان را با نام ها گول می زنیم و خیز از تکرار بیمار در بطن تیم های سرنوشته ساز و پایه های تکمیر. که چه بگوی ز کافی هر ساله از جیب فوتبال ما می رود تا رویا شکل برد. انتخاب های بی متر و معیار و بر پایه روابط باعث شده تا چند نام همیشگی حول فوتبال جوانان و امید جدید و نهائیا حسرت صعود به المپیک و جام های جهانی هر ۲ سال یک بار یا مهر تمدید مواجه شود. ما را با ربا دقت بخوانید. پرویز مظلومی، حمید درخشان، حمید استیلی، علیرضا منصوریان، نام هایی که هر کدام در عرصه بازیگری بی نظیر بودند اما قرار نیست یک بازیکن خوب، لزوماً خوبی مربی آن هم برای تیم های پایه و حساس از آب در بیاید و این همان قاعده مهمی است که نظری ها فهمیدند و فدراسيونی های ما نه. فکر نمی کردیم یورو بسد فوتبال مان حتی از قطر هم عقب مانده تر شود اما انگار باین سلسله بی کیفیتی ها روزی را هم خواهیم دید که سرولانکا و بنگلادش برای مان بوق بزنند و گاز بدهند تا ما در دادوستد آنها حقه شویم.

شهروان وزیری

## چنین کنند مدیران!



فوتبال ۳۶

این صدا و سیمای ما اگر هزاران برنامه بی مخاطب و کم مخاطب داشته باشد که کم و بیش دارد، اگر هر شب بسیاری از برنامه های کلیشه شده اش را کاتال به کاتال کبی شده تو چشم و چارما ملت می کند که کم نمی کند اما بعضی برنامه های پیش به منایه غریب و وحشی و ایضا را یفا چنان دیدنی و جذاب و پراتریک و در عین حال افشگرانه از کار درمی آید که من و تو یبای این چه رنگ کرده چهار چشمی میخ شویم و خواب از چشممان برپاید!

دوشنبه شبی که گذشت برنامه لیگ برتر میثاقی جوان روی آنتن بود و مهماننش جناب خلیل زاده ای که به اعتباری فعلاً رئیس هیات مدیره استقلال است.

بحث این نشست هم بررسی مشکلات و معضلات استقلال بود و ایضا گریز زدن به مدیریت قبلی و اسپانسرهای عیدیه و ندیده ای که

چنانچه افتد ودانی به بادی با انبانی برمی آید و به توانایی با انبان خالی شده محومی شوند تا نوبت دیگری نه خانی آمده و نه خانی رفته!

جالب بود این برنامه آنجایی بود که سخنان کلیشه ای خلیل زاده ما را به گذشته های دور... به گذشته های و فتنی ها و سعادت مند های یکی باقیه حقی به جانب جلوی همین دوربین های چنان لحن کلام و تیغتر ز یاد از خود و برنامه های خود داد سخن می دادند و با سخن پراکنی های کلامی به مدیران گذشته مدام برای خود اعتبار و بیاری برنامه های خود گردیدت یباز می کردند!

اما آنچه این نشست برتنش را مثل غرب وحشی دیدنی کرده بود جایب بود که میثاقی جوان آشنی را که برای این برنامه بار گذاشته بود لحظه

# تکرار اشتباه در فدراسیون

تصمیمات مشابه، ماجراهای غم انگیز



## مازاین گلیکان

تصمیماتی که برای کادر فنی تیم جوانان ایران گرفته اند، بی شباهت به تصمیماتی نیست که پیش تر برای تیم امید گرفته بودند. مهدی تاج در فدراسیون فوتبال نیست اما تصمیمات مشابه دوران او کم تکرار نمی شوند. حمید درخشان و داود مهابادی در موقعیت فنی مناسبی برای مدیریت فنی و سرمربیگری تیم جوانان ایران قرار نداشتند اما فدراسیون فوتبال بارها نشان داده است که می تواند تصمیمات بی مینا بگیرد. در درخشان و نه مهابادی در کارنامه دوران اخیر خود که چندان کارنامه ای هم در بازار مربیگری ایران به حساب نمی آید. تخصصی در کار با تیم جوانان را نشان ندهاند. فراموش نکنیم که همکاری سال های دور

## تیم جوانان مثل گوشت قربانی بین مربیان چایه جا می شود

## استعداد یک نسل، باز بچه چند دست!



علی کمانگری

سیروس پورموسوی، پرویز مظلومی و حالا داود مهابادی، تیم جوانان در ۲ سال اخیر مثل یک تکه گوشت قربانی شده میان مربیانی که اتفاق چند وقتی از چرخه مربیگری فوتبال ایران دور مانده بودند، دست به دست می خورد. هر یک از این افراد مدتی می آیند و هدایت تیم جوانان را برعهده می گیرند، سپس به محض دریافت پیشنهاد از یک تیم لیگ برتری، زندگی خود را در جای دیگری دنبال می کنند؛ به طور مثال سیروس پورموسوی بعد از رساندن تیم جوانان به رقابت های جام ملت های آسیا، حال هدایت تیم صنعت نفت آبادان را برعهده گرفته و پرویز مظلومی هم بعد از یک دوره کوتاه مربیگری در تیم جوانان، به سمت مدیرفنی تیم استقلال منصوب شده است. به نظر می رسد سال به سال معیارهای انتخاب سرمربی تیم جوانان بیشتر

به زیر خطا استاندارد متمایل می شود. بعد از انتخاب پرویز مظلومی که نزدیک به ۲ سال از امور فنی تیم های مختلف به دور بود، حال به انتخاب داود مهابادی رسیده ایم که در یک دهه مربیگری خود در تیم های مختلف هیچ موفقیتی کسب نکرده و حال هم به بیکاره و در شرایطی که هدایت تیم فخرسیاسی را برعهده داشت، به نیمکت تیم جوانان منتقل شد. از آن جالب تر، انتخاب مدیرفنی تیم جوانان است: حمید درخشان در درخشان که آخرین بار ۳ سال پیش و برای چند مسابقه هدایت نفت را عهده دار بود، در این ۳ سال هیچ فعالیت فنی نداشته و تنها در شبکه های تلویزیونی و روزنامه های مختلف مشغول مصاحبه و ذکر بدیهیات بوده است. همه این اتفاقات در حالی می افتد که از ۱۳ استنداده رقابت های جام ملت های جوانان آغاز می شود و از قضا انتخابی، رقابت های جهانی هم هست. به نظر می رسد شانس ما برای رسیدن به رقابت های جهانی و دیده شدن در جنان مدیوم مهمی که بسیاری از استعدادیاب های تیم های بزرگ اروپایی در آنجا حضور دارند و بهترین فرصت برای لژیونر شدن فوتبالیست های ایرانی از زمین بسیار پایین است، نزدیک به صفر باشد. چیزی شبیه به شانس مان برای صاحب میزبانی جام ملت های آسیا ۲۰۲۷!

## هوای مه آلود حوالی تیم جوانان خانه از پای بست ویران است

### سام ستارزاده

در حالی که مربیان کارنامه داری نظیر علی دایی، حسین فرکی، عبدالله ویسی و مجید جلالی لیگ بیستم را از بیرون کود دنبال می کنند، فدراسیون فوتبال دست به یک انتخاب پریش برانگیز برای هدایت تیم ملی جوانان زد؛ داود مهابادی که سال ها ست با نیمکت های دسته یکی صندلی بازی می کرد در پست سرمربی و حمید درخشان که سه سال فعالیت فوتبالی قابل توجهی ندارد، در پست مدیر فنی گذاشته شدند.

اما آنچه این دو انتخاب را طعنه آمیزی می کند، این است که دقیقاً در همان روز، آخرین سرمربی جوانان ایران، سید سیروس پورموسوی، با نفت آبادانی که ۱۰ بازیکن همش را از دست داده و پنجره نقل و انتقالی اش نیز بسته است، به کمک ۶ بازیکن زیر ۱۲ سال، بیکنان را در نخستین دیدارش در لیگ بیستم شکست می دهد. سید سیروس پورموسوی، یک انتخاب درست برای زیر ۲۱ ساله های کشورمان بود. یک سرمربی با سابقه کادر معتبرترین آگادمی های ایران نظیر فولاد که شاگردانش دور مقاماتی جام ملت های جوانان را بدون گل خورده پست سر گذاشتند و قهرمانی مسابقات آسیا مرکزی (کافا) را نیز برای فوتبال پایه کشورمان به ارمغان آوردند.

آنچه به همکاری دستیار سابق عبدالله ویسی با فدراسیون پایان داد، حمایت های عملی بود که متولیان فوتبال مان تنها وعده اش را می دادند. بحث عدم ثبت قرارداد و پرداخت معوقات کادر فنی هم بماند. اوآخر سال گذشته، پورموسوی با کمترین کلابه ممکن از سمتش استعفا داد؛ قبول استعفاش سه ماه به طول انجامید و سپس ۶ ماه دیگر فوتبالیست های جوانمان در بلاکلیفی باقی ماندند. نتیجه این همه فوت وقت، انتخابی بود که از همین حالا مشخص است برنامه ریزی پشت آن قرار ندارد. نظیر آنچه بار سال سرتیم امید آمد، بعد است ۳ ماه دیگر در ازبکستان سرتیم ملی جوانان رخ ندهد. اینچا فوتبال پایه است. هوا ما داود است و جو حاکم بر اینچا به چشم بسیاری از ما دیده نمی شود. کسی دلیل انتصاب های بی پایه را از شما نمی پرسد. کسی هم از هدف گذاری های شان برای انجام مسئولیت ها متولان می شنود؛ خانه فوتبال ما از همین جا ویران است.

## یک انتخاب عجیب دیگر حیاط خلوت فدراسیون

### سامان موحی راد

تیم جوانان ایران سرانجام صاحب سرمربی شده و به این ترتیب فدراسیون یک انتخاب عجیب دیگر مانند انتخاب های قبلی شان داشت. چند ماه پیش که پرویز مظلومی به عنوان سرمربی تیم جوانان معرفی شد بسیاری تعجب کردند که با چه کارنامه موفقی این انتخاب صورت گرفته؟ مردی که در سال های اخیر در تیم های باشگاهی به هیچ موفقیت در خوری دست نیافته و بعضاً نتایج ضعیفی هم گرفته بود.

بعد از چند فصل بیکاری به بیکاره از تیم ملی جوانان سردا برد. البته مظلومی زندگی خود این پست را رها کرد تا سرپرست استقلال شود و به این ترتیب تیم جوانان صاحب یک سرمربی جدید شود. در حالی که لیگ اسمال مربی های با کارنامه ای چون علی دایی و حسین فرکی را کنار گذاشته بود و می شد از آنها به عنوان گزینه های جوانان حرف زد.

بار دیگر دو گزینه عجیب برای این پست معرفی شد. داود مهابادی سرمربی فخرسیاسی سرمربی تیم جوانان شد و حمید درخشان هم که یکی از گزینه های جدی احراز این پست محسوب می شد، مدیرفنی تیم شد. واقعا چه متر و معیاری چهره های مثل درخشان گزینه جدی احراز سرمربیگری تیم جوانان لقب گرفته و حالا مدیرفنی تیم شده؟ با چه کارنامه درخشانی در سال های اخیر و با چه بار فنی و تاکتیکی؟ روند انتخاب هاد تیم جوانان به نظر می آید که بیشتر تحت تأثیر روابطی غیر فوتبالی است و گرنه با هر استانداردی در این سال ها نمی شد قبول کرد که مظلومی و درخشان گزینه های نخستین روی نیمکت تیم های پایه باشند. تصمیمی که در وهله اول از وضعیت برخی از مهم فدراسیون فوتبال برمی آید و دیگری اینکه در همه این سال ها پایه و اساس تیم جوانان چنین گذاشته شده. سال ها ست که تیم های پایه با انتخاب های اشتباه و برنامه ریزی های اشتباه رها به جایی نمی برند و حالا هم در بر همان پایه شربانمان می چرخد.

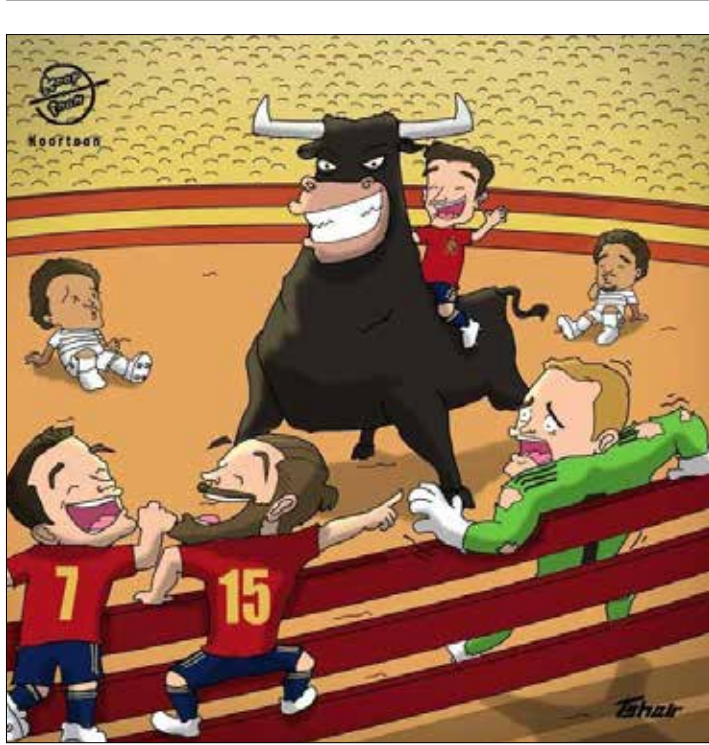
دیدگاه

دیگر رسانه ها

## نقدی بر انتخاب های عجیب فدراسیون فوتبال در تیم جوانان

گهر زاکرس، مس سرچشمه، استقلال اهواز، پاس همدان، آلومینیوم اراک، برق نوین شیراز، نساجی مازندران، مشکپوشان، شهرداری ماهشهر و فجرسیاسی شیراز. این مسیر مربیگری مهابادی در سال های گذشته بسیار پر بار بوده است. حضور در ۱۳ تیم مختلف که بلندمدت ترین آنها در ۲ تیم آلومینیوم و فجرسیاسی به ۲ سال برمی گردد. کنار آن مهابادی سابقه حضور در تیم های پایه و کار با بازیکنان جوان را در کارنامه خود بره حساس این تجربه را در دست بیارود! حمید درخشان نیز در قامت مدیر فنی باید به داود مهابادی فخر شهید سپاسی را در لیگ است که حداقل درخشان حدود ۲ دهه قبل، سابقه یک سال سرمربیگری در تیم جوانان را دارد و حالا به یمن فدراسیون فوتبال فرصت ۱۲ سال است که در سطح اول و دوم فوتبال ایران سرمربیگری می کند. مهابادی که سابقه بازی برای تیم های استقلال تهران و اهواز، راه آهن و همچنین ذوب آهن را دارد، در کسوت مربیگری بارها تیم عوض کرده و در یک دهه اخیر در سطح اول فوتبال ایران حضور نداشته است؛ راه آهن، تربیت یزد، فجرسیاسی، پیام مشهد، منتشر شده

کاریکاتور



تیم ملی آلمان سه شبته شب یکی از سنگین ترین شکست های تاریخش را متحمل شد و بیانتیچه ۶ بر صفر به اسپانیا باخت. شکستی که تا هفته های می شود درباره اش حرف زد. بخصوص



هادسون اودوی و شماره ۱۰



اشیاکل ۵۷ ساله شد

دیروز تولد پترا اشیاکل، دروازبان دوست داشتنی تیم منچستر یونایتد بود. او حالا ۵۷ سال دارد و در بهترین دوران منچستر یونایتد درون دروازه تیمی ایستاد که سرالکس فرگوسن آن را هدایت می کرد. این فوق العاده او در فصل ۹۳-۹۴ جلوی تیم ناتهام در دیروز حسابی مورد توجه بود و مکتس باره با اشتراک گذاشته شد.



جدال دوستانه داماد و پدرزن



بهبه کی روش از باخت سنگین

عکسی دور از انتظار از کارلوس کیر روش، مربی برتغالی که حالا دو سالی می شود ایران را ترک کرده در کلمبیا اوقات خوشی را سپری می کند. تیم او اولین هفته با گل ۳ از روزگوه شکست خورد و بعد در یک نیمه ۴ گل ۳ از او کادور دریافت کرد تا قیافه اش این شکلی شود. در ایران کمتر می شد عکسی اینچنینی از او شکار کرد.

وقتی هم روش در جشن قشقرهای شده که جنگ مدیران به جبهه های دیگر بکشد و به ایتالیا رفتن و طیاره نشینی مدیرعامل معزول و تماس موهوم با استراماچونی و سپس نمایش پیامک موهوم ترش با وی تا این یکی بزند زیرش که استراما شخصاً دیدیم و هنوز جای ماچش روی لب هایمانده و آن یکی بزند رویش سعادت مند های یکی باقیه حقی به جانب جلوی دوربین های چنان لحن کلام و تیغتر ز یاد از خود و برنامه های خود داد سخن می دادند و با سخن پراکنی های کلامی به مدیران گذشته مدام برای خود اعتبار و بیاری برنامه های خود گردیدت یباز می کردند!

اما آنچه این نشست برتنش را مثل غرب وحشی دیدنی کرده بود جایب بود که میثاقی جوان آشنی را که برای این برنامه بار گذاشته بود لحظه

## این راه قهرمانی نیست

در فدراسیونی که رئیسی ندارد و اساسنامه آن همچنان درگیر ناید های فیفاست و ساختار مدیریتی فوتبالش آسیب دیده و بیاد هواس، یک بار دیگر مثل چند سال اخیر یحتم میزبانی جام ملت های آسیا مطرح شده. اتفاقی چند سال پیش برای میزبانی رقابت های جام ملت های ۲۰۱۹ هم رخ داده بود اما در نهایت این امارات بود که میزبانی را به دست آورد. حالا ایران به همراه هند، قطر، عربستان و ازبکستان جزو پنج نامزد نهایی میزبانی رقابت های جام ملت های آسیاست و باید به زودی مدارک نهایی شامل ضمانت های دولت و توافقنامه سازماندهی مسابقات را ارسال کند. علیرغم حضور در جمع پنج نامزد نهایی اما سؤال اینجاست

که ایران چه میزان قابلیت میزبانی رقابت ها را دارد؟ سال ها ست که تهران پایتخت ایران با دو تیم برتر فوتبالش آسیب دیده و بیاد هواس، یک بار دیگر مثل چند سال اخیر یحتم میزبانی جام ملت های آسیا مطرح شده. اتفاقی چند سال پیش برای میزبانی رقابت های جام ملت های ۲۰۱۹ هم رخ داده بود اما در نهایت این امارات بود که میزبانی را به دست آورد. حالا ایران به همراه هند، قطر، عربستان و ازبکستان جزو پنج نامزد نهایی میزبانی رقابت های جام ملت های آسیاست و باید به زودی مدارک نهایی شامل ضمانت های دولت و توافقنامه سازماندهی مسابقات را ارسال کند. علیرغم حضور در جمع پنج نامزد نهایی اما سؤال اینجاست

که ایران چه میزان قابلیت میزبانی رقابت ها را دارد؟ سال ها ست که تهران پایتخت ایران با دو تیم برتر فوتبالش آسیب دیده و بیاد هواس، یک بار دیگر مثل چند سال اخیر یحتم میزبانی جام ملت های آسیا مطرح شده. اتفاقی چند سال پیش برای میزبانی رقابت های جام ملت های ۲۰۱۹ هم رخ داده بود اما در نهایت این امارات بود که میزبانی را به دست آورد. حالا ایران به همراه هند، قطر، عربستان و ازبکستان جزو پنج نامزد نهایی میزبانی رقابت های جام ملت های آسیاست و باید به زودی مدارک نهایی شامل ضمانت های دولت و توافقنامه سازماندهی مسابقات را ارسال کند. علیرغم حضور در جمع پنج نامزد نهایی اما سؤال اینجاست